

معرفیهای اجمالی

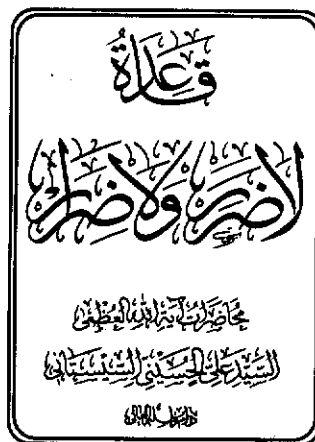
زیادی در این قاعده مطرح است؛ از قبیل احکام اولیه و ثانویه و علت تقدیم احکام ثانویه بر احکام اولیه، توضیح احکام تشریحی و ولایتی و سلطانی، مباحث مربوط به حدود اختیارات ولی فقیه. اهمیت این قاعده موجب گشته است که شیخ اعظم انصاری - رضوان الله علیه - یک بار در فرائد الاصول (رسائل) از آن بحث نماید و بار دیگر رساله مستقلی درباره آن بنویسد که در پایان مکاسب چاپ شده است.

مرحوم آقا بزرگ تهرانی در الذریعه پانزده رساله مستقل در مورد لاضرر را نام برده است (ج ۱۷، ص ۱۰-۱۲) در حالی که چندین رساله نیز از او فوت شده است. و چون مرحوم شیخ انصاری این قاعده را در علم اصول فقه مورد بحث قرار داده است و شاگرد بزرگش مرحوم آخوند خراسانی در کفایة الاصول از این استطراد، استقبال و پیروی نموده است، همه فقهانی که پس از آنان آمده اند در درس اصول خود این قاعده را مطرح کرده اند.

حضرت آیه الله سیستانی نیز در درسهای خارج اصول خود این قاعده را بسیار مفصل و عمیق مورد بحث قرار داده و همه جوانب آن را مورد بررسی قرار داده است که اینک تقریرات آن درسها، که توسط فرزندشان به رشته تحریر درآمده است، منتشر شده است. ترتیب مباحث کتاب، همان ترتیب متعارف، یعنی بحث از روایات و کاوش در اسناد آنها و توضیح مفردات و سپس بیان مفاد و مدلول آن و آنگاه ذکر چند تنبیه در پایان است. مؤلف در هر کدام از موارد فوق کلمات فقها را نقد و بررسی کرده و پس از توضیح، نظر مختار خود را

قاعده لاضرر ولاضرار

محاضرات آیت الله السید علی الحسینی السیستانی. (قم، نشر مکتب آیه الله السید السیستانی، ۱۴۱۴). ۳۶۰ ص، وزیری.



هنگامی که شهید اول - قدس الله نفسه الزکیه - با نوشتن القواعد والفوائد بیش از سیصد قاعده فقهی را جمع آوری نمود، اولین کتاب در موضوع قواعد فقهی را در میان شیعه تدوین نمود. پس از او مقداد بن عبدالله سیوری، معروف به فاضل مقداد،

«نضد القواعد الفقهیه» را به رشته تحریر درآورد. سپس شهید ثانی با تمهید القواعد الاصولیه و العربیه و مرحوم نراقی با عوائد الایام و میر عبدالفتاح با عناوین الاصول و بجنوردی با القواعد الفقهیه هر کدام در پیشرفت و تکامل این فن سهمی بسزا دارند. هر کدام از این کتابها جمع آوری همه یا اکثر قواعد فقهی را مدنظر داشته اند، اما در این میان برخی از فقها نیز بوده اند که رساله یا کتاب خود را به بحث از یک قاعده فقهی اختصاص داده اند؛ ولی هیچکدام از قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر ولاضرار توجه فقها را به خود جلب ننموده است. زیرا اولاً برخی از فقههای عامه، فقه را در چهار قاعده خلاصه می کنند که «لاضرر» یکی از آنهاست. (ر. ک. مقدمه القواعد والفوائد، ج ۱، ص ۴). و این قاعده یک چهارم فقه را شامل می شود. ثانیاً مباحث بسیار

زمان غیبت می‌باشد، و لذا وظیفه فقها در این زمان آن است که عدالت را اجرا نمایند. (ر. ک: ص ۱۵۰).

البته در اینجا نباید فرق بین ولایت در امور عامه با ولایت در عامه امور را از نظر دور داشت. در صفحه ۲۳۳ الی ۲۶۴ بحث مفصلی درباره حکومت تزییقی شده است. سپس به تطبیق مباحث اصول بر فقه پرداخته است؛ مثل بحث خیار غبن و نیز وضوء ضرری که این تطبیق نیز مهم است.

در پایان به برخی از اغلاط چاپی کتاب نیز اشاره می‌شود که امید است در چاپهای آینده اصلاح گردد:

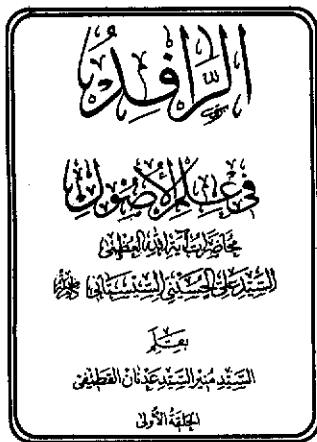
پاورقیهای ص ۱۱۶ چاپ نشده است. در ص ۱۰۶ آمده است: «الوانی مجد ... که صحیح آن «مجلد» است. در ص ۹۱ لعل منشوه آمده که صحیح آن «لعل منشاه» می‌باشد. آیه شریفه در ص ۱۱۴ غلط چاپی دارد. ضمناً همه احادیث و کلمات که در کتاب ذکر شده، مأخذ آنها در پاورقی آورده نشده است؛ به عنوان نمونه به صفحات ۱۱۴-۱۰۹-۱۱۷-۱۱۹-۱۹۹ می‌توان اشاره کرد.

احمد عابدی

الرافد فی علم الاصول

محاضرات آیت الله العظمی السید علی الحسینی السیستانی. السید منیر السید عدنان القطیفی، (قم، نشر مکتب آیه الله السید السیستانی، ۱۴۱۴). ج ۱، ص ۳۵۰، وزیری.

علم اصول فقه یا منطق اجتهاد - که همان اهمیت فقه را داراست - در زمان صادقین - علیهما السلام - پدید آمد. ائمه اطهار با بیان اصول کلی دین و واگذاری استخراج فروع بر عهده فقها (علینا أن نلقی الیکم الاصول و علیکم أن تفرعوا)



به فراگیری قواعد اصولی کمک فراوانی نمودند. لذا در همان زمان حضور، عده‌ای به فکر علاج روایات متعارض و نیز

آورده است و به مناسبت بحث، از سند روایات مربوط به این قاعده، به مقایسه بین کتب اربعه روایتی شیعه و کتابهای اهل سنت پرداخته است (ر. ک: ص ۳۲). وی به بحثهای متعارف قناعت نکرده، بلکه با توجه به تاریخ تدوین حدیث روشن کرده است که اعتبار روایات شیعه با روایات اهل سنت قابل مقایسه نیست؛ زیرا روایات ما متصل به ائمه معصومین - علیهم السلام - است، اما روایات آنها بیش از صد سال در حافظه بوده و سینه به سینه منتقل می‌شده است که قهراً اشتباهات زیادی در نقل آنها روی آورده است. (ر. ک: ص ۴۳).

چون صاحب کتاب برای حجیت خیر تنها اعتبار سندی آن را کافی نمی‌داند و معتقد است که باید خبر موثوق به باشد، نه آنکه ناقل آن فقه باشد، و تنها وثاقت به شخص باشد، نه به گفته او، و به همین جهت باید مضمون حدیث با شواهد کتاب و سنت مطابقت داشته باشد، لذا به قرائن زمان صدور روایات توجه زیاد دارد و به نکات تاریخی و محیط فرهنگی، که آن روایات در آن اظهار شده‌اند، توجه دارد. و این چیزی است که روش فقهی مرحوم آیه الله العظمی بروجردی را تداعی می‌نماید. به عنوان نمونه مؤلف با تتبع زیاد کشف کرده است که حدیث لاضرر ولاضرار فی الاسلام (با اضافه کلمه «فی الاسلام») از روایات اهل سنت است که مرحوم شیخ صدوق آن را در فقیه آورده است (ر. ک: ص ۹۰-۹۳).

شیوه تحقیقی رجالی معاصر، علامه شیخ شوشتری، در به دست آوردن تصحیفات و تصحیح قیاسی روایات در این کتاب اعمال شده است. (ر. ک: ص ۵۳-۵۷).

معمولاً فقهای بزرگ و خصوصاً حضرت امام خمینی - رضوان الله علیه - در بحث لاضرر به بحث از ولایت فقیه و نیز بیان حدود اختیارات آن پرداخته‌اند. در این کتاب نیز آمده است: شارع با لاضرر خواسته است قانونی جعل نماید که مانع از تحقق ضرر در خارج گردد و این تشریع براساس نهی از منکر و نیز تحقق عدالت اجتماعی بین مردم، که همان ولایت در امور عامه است، برای پیامبر و ائمه - صلوات الله علیهم اجمعین - در زمان حضور و برای فقها در

تحلیل و تبیین مسائل عام خاص و ناسخ منسوخ بودند که همینا عناصر اولیه پیدایش این علم گردید.

کتاب الرافد دارای مقدمه ای است که چراغی به دست خواننده خود می دهد که با توجه به آن می تواند با دیده محققانه ای به این علم وارد شود بی گمان مقدمه این کتاب نقطه عطفی در تاریخ علم اصول است و منشأ تحولی عظیم خواهد بود. هفت مساله از ده مساله ای که در مقدمه کتاب آمده است، کاملاً ابتکاری است.

در اینجا به برخی از مباحث آن اشاره می کنیم:

اخباریین معتقدند که علم اصول فقه توسط اهل سنت پدید آمد و برخی از معاصرین نیز می گویند که شیعه در زمان حضور نیازی به تدوین اصول نداشت. اما در این کتاب می گوید شیعه و سنی هر دو در یک زمان شروع به تألیف در این موضوع نمودند و چند مؤید از تاریخ و رجال بر این مدعا اقامه کرده است.

در ص ۱۱ کتاب بحث جالبی درباره عمل ابن جنید به قیاس دارد و معتقد است که مقصود از این قیاس، آن گونه که غالباً تصور می شود، قیاس اصطلاحی نیست، بلکه موافقت با روح کتاب و سنت است. پس از آن به بیان نقد داخلی و خارجی و لزوم موافقت آن با روح قوانین اسلام، و نیز تفاوت بین رجوع به بناء عقلا برای تشخیص موضوع با رجوع به آن جهت استدلال به آن و کاربرد دلیل ریاضی حساب احتمالات برای به دست آوردن معیار شبهه محصوره و غیر محصوره پرداخته است.

توجه به تاریخ تحول علم اصول و بیان ادوار فکر اصولی از دیگر مباحث مقدمه کتاب است که سه دوره برای آن بیان کرده است: دوره اول پس از سپری شدن زمان منع تدوین حدیث به جهت اهداف سیاسی برخی زمامداران اهل سنت شروع می شود. در این دوره حنبلیان جمود زیادی به حدیث داشته و حنفیان در تأویل حدیث بسیار آزاد بودند و افرادی چون ابن جنید متأثر از مکتب حنفی بودند و حشویه تحت تأثیر مدرسه حنبلی. پس از این مقابله، دو مکتب اهل رأی و اهل حدیث در عصر سلجوقیان پیش آمد، اما در زمان مغول مکتب بسیار غنی

محقق و علامه حلی - رضوان الله علیهما - چنان با شادابی و شکوفایی خاص خود ظاهر گردید که حتی ابن تیمیه - که مظهر تعصب کور و جمود فکری است - نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت.

مجتهدی که در علم اصول اظهار نظر می کند باید از اختلاط مباحث و مسائل علوم غافل نباشد و بحث اصولی را به بحث فلسفی یا منطقی مخلوط و عجین ننماید؛ همان گونه که حضرت امام خمینی - قدس الله نفسه الزکیه - که فیلسوف و عارف و مفسر توانایی بود، هرگز بحث اصولی را با فلسفه نمی آمیزد. در کتاب الرافد به این مهم به خوبی توجه شده و بحثهای فلسفی - اجتماعی - منطقی - روائی - قانونی - لغوی و ادبی را از اصول کاملاً تفکیک کرده است و مثالهایی از علم اصول ذکر کرده است که نشان می دهد چگونه بسیاری از نظریاتی که در اصول ابراز شده است، در واقع بحث فلسفی یا منطقی است نه اصولی. (ر. ک: ص ۶۲).

مطالعه تاریخ تدوین حدیث و مقایسه ای بین کتب اربعه روائی شیعه با صحاح سته عامه و روشن شدن نقاط قوت و ضعف هر کدام و نیز توجه به علل و اسباب بروز اختلاف حدیث و نیز در نظر داشتن تأثیر روح فرهنگی زمان بر مباحث فقهی و اصولی بسیار مهم است که این کتاب بخوبی از عهده آن برآمده است. به عنوان مثال نویسنده معتقد است تقسیم سه گانه ای که مرحوم شیخ اعظم در ابتدای فرائد الاصول برای مباحث حجت ذکر کرده است، معلول محیط فرهنگی و نیاز آن روز نجف اشرف می باشد. زیرا از طرفی محدثین کاملاً عقل را کنار می گذاردند و از طرفی دیگر برخی اصولیین با افراط زیاد به ظن شخصی اعتماد بیش از حد داشته و انسداد باب علم و علمی را مطرح می نمودند و مرحوم شیخ حد وسط و اعتدالی بین این دو ایجاد نمود. (ر. ک: ص ۳۵).

جواز استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد و ارائه راه حل و پاسخی قانع کننده در باب هفتاد بطن قرآن و نیز بازسازی تاریخ علم لغت و رسیدن به این نتیجه که اختلاف لغویین در تفسیر لغات معلول توجه و گرایشهای هر کدام از آنان به یک مذهب فکری خاص فقهی یا کلامی می باشد، از دیگر بحثهای

کتاب است.

آقای حسین استادولی توسط انتشارات حکمت عرضه شده است، از ترجمه‌های برجسته و روان قرآن مجید است. در ترجمه امین و روان دیگر، ترجمه مرحوم ابوالقاسم پاینده و آقای عبدالمحمد آیتی است که اولی را مرحوم سید محمد فرزانه و دومی را آقای بهاء‌الدین خرمشاهی در ترازوی نقد گذاشته‌اند و با وصف این، ترجمه‌های یاد شده سرآمد دیگر ترجمه‌های قرآن است.

آقای مجتبی‌ی ضمن ترجمه قرآن، توضیحات کوتاهی در پاورقی و پایان کتاب ارائه کرده و مقدمه‌ای تحت عنوان «سخنی چند درباره این ترجمه»، تأدباً پس از پایان متن آورده و در آن ضمن چگونگی این ترجمه، به برخی دیگر از ترجمه‌های جدید پرداخته است. در این ترجمه کوشیده شده که اولاً تا آنجا که ممکن است از کلمات فارسی استفاده شود؛ ثانیاً ترجمه‌ای دقیق و صحیح عرضه شود؛ ثالثاً همواره در برابر یک کلمه متن، یک کلمه فارسی آورده نشود. همچنین یک کلمه همیشه یکسان ترجمه نشده و گاه به قرینه و تناسب، تعبیرات گوناگونی آورده شده است.

مترجم برای اینکه ترجمه قرآن با توضیحات آن در نیامیزد، توضیحات را در زیرنویس آورده و اگر در ذیل گنجانیده نمی‌شود، به پایان کتاب برده است. جمله‌های معترضه در داخل دو خط تیره آورده شده و مرجع ضمیر در داخل پرانتز و عبارات در تقدیر، در داخل قلاب. مترجم درباره کار خود مرقوم داشته است: «ادعا نمی‌کنم که ترجمه ما هیچ گونه نقص و لغزشی ندارد. و اگر کسی به دشواریها و مشکلات کار آگاه باشد هرگز چنین ادعایی نخواهد کرد. هر چند کوشش کرده‌ایم که در این ترجمه نلغزیم و از اشتباهات برکنار باشیم و تصور می‌کنیم به یاری خدای تعالی کما بیش موفق بوده‌ایم. لیکن خوشحال خواهیم شد که لغزشهای احتمالی ما را دانشمندان قرآن‌شناس متذکر شوند تا در آینده اصلاح کنیم. روشن است که این تذکرات باید از روی علم و تحقیق باشد نه از سر اشکال تراشی، و زنهار تا کسی به محض آنکه کلمات یا عباراتی از این ترجمه را با دیگر ترجمه‌ها مطابق نیافت بدون بررسی و تحقیق آن را اشتباه نپندارد، و اگر

بحث از لزوم موضوع برای علم و نیز بیان نارساییها و مشکلات روش سنتی در تقسیم ابواب علم اصول و بیان یک تقسیم جدید برای ابواب، که با روشهای متعارف بسیار فاصله دارد، در صفحه ۴۴ و ۴۵ مطرح شده است.

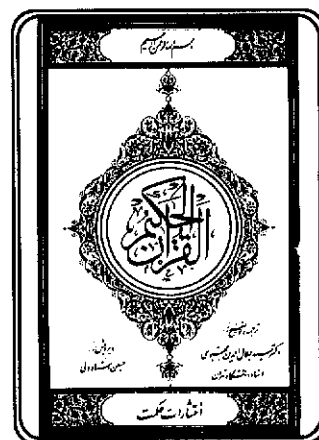
کتاب تا پایان بحث مشتق و پایان مقدمات علم اصول را دربردارد.

با وجود آنکه تحقیق کتاب دقیق بوده است، اما برخی اغلاط چاپی در آن دیده می‌شود. به عنوان نمونه در صفحه ۱۱ تاریخ وفات شافعی ۵۰۲ ذکر شده که روشن است غلط چاپی است. در ص ۱۵، سطر ۴ «تصویرتھم» آمده که «تصویراتھم» صحیح است. در ص ۳۰ «مرحۃ الجعل» چاپ شده که باید «مرحله الجعل» باشد. در ص ۵۰ «بأن للحکم وجود اقتضائاً» است که باید «وجوداً اقتضائاً» باشد. در ص ۹۵ و ۹۹ «معانی» غلط است و باید «معان» باشد. در ص ۱۰۴ «الفراغ عن ...» آمده که باید صله آن «من» باشد. پاورقیهای ص ۱۰۵ نیز اشتباه شده‌اند. امید است که در چاپهای بعدی اصلاح گردند.

احمد عابدی

ترجمه قرآن مجید

ترجمه و توضیح سید جلال‌الدین مجتبی‌ی. ویرایش حسین استاد ولی. (چاپ اول: تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱). ۶۴۰ ص، وزیری.



در سالهای اخیر چند ترجمه فارسی قرآن منتشر شده و اینک چند ترجمه دیگر در آستانه نشر است. این همه اقبال به قرآن، از اقبال بلند مترجمان است و نشان از اندیشه «بازگشت به قرآن» دارد که در سده اخیر مطرح و بر آن تاکید شده است.

ترجمه آقای دکتر سید جلال‌الدین مجتبی‌ی، که با ویرایش

متفکران اسلامی در بحثهای حکومت، افزون بر آنچه یاد شد، بر خواسته از واقعنگری آنان در جریان تاریخی پس از پیامبر در جهان اهل سنت و نیز پس از غیبت در تشیع است. یعنی بیشتر تئوریهای پرداخته شده در این باره عملاً تفسیر واقعیت است و تلاش برای یافتن نصوصی جهت روشننگری درباره موضوع اهل سنت و شیعه در برابر این واقعیت و نه ارزیابی دقیق مسأله از نگاهی مستند بر نصوص برای یافتن حقیقت. (ص، ۲۱-۱۱).

پس از این مقدمه، که مؤلف شیوه بحث را گفته است، در فصل اول کتاب بر ارتباط ارگانیک مجموعه تعالیم دینی و آموزه های قرآنی تأکید کرده است. مؤلف معتقد است که دین مجموعه ای است از تعالیم به هم پیوسته و آنگاه با توضیح ابعاد مختلف شریعت اسلامی (عبادی، معیشتی و اجتماعی) با دقت در نصوص بسیار نتیجه می گیرد که این مجموعه در پیوندی درونی با یکدیگرند و هرگز نمی شود برخی از این مجموعه را از برخی دیگر جدا ساخت. (ص ۳۰-۴۲). وی به چگونگی تقسیم بندی کلی ابواب فقه پرداخته و تأکید می کند که تقسیم ابواب فقه به عبادات، محرمات و احکام، چنان که ابوالصلاح حلبی انجام داده، و یا عبادات، عقود، ایقاعات، و احکام، چنان که شهید اول بدان همت ورزیده است، و تقسیمات دیگر، بیشتر جنبه آموزشی داشته است تا محتوانگری و توجه به چگونگی آهنگ تشریح در این تعالیم. (ص ۴۰-۴۹) و این نکته را با دقت تمام در چگونگی تشریحا بخوبی نمایانده است.

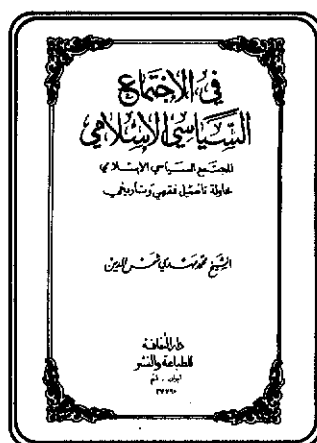
بر پایه آنچه گذشت، در فصل دوم موضع اسلام را درباره دنیا و آخرت و چگونگی پیوند آن دو با هم تبیین کرده و نقش موضع سالم و واقعگرایانه و استوار درباره دنیا و چگونگی برخورد با آن را در زندگی فرد و اجتماع باز گفته است. (ص ۵۱-۶۷). در فصل سوم از دولت و حکومت از نگاه اسلام سخن گفته و نشان داده است که حاکمیت، حکومت و دولت برخاسته از متن دین و با توجه به چگونگی تشریح احکام، جزء لاینفک آن است. آنگاه به ریشه های اندیشه حکومت و دولت در نصوص دوره مکی پرداخته و به اجمال از آن بحث کرده است. در بخش دوم کتاب از معیارهای کلی و پایه های شکل دهنده حکومت و ارزشهای حاکم جامعه سیاسی اسلامی و

نارسایی و لغزشی به نظرشان آمد بهتر است ابتدا توسط انتشارات حکمت با ما مکاتبه کنند.»

عبدالمحمد نبوی

فی الاجتماع السياسي الاسلامی

محمد مهدی شمس الدین. (چاپ اول: دارالثقافة للطباعة والنشر، ۱۴۱۴). ۳۷۲ص، وزیری.



حکومت، سیاست، دولت و چگونگی شکل گیری حکومت و نهادهای وابسته به آن، سالهاست که یکی از مهمترین دلمشغولیهای متفکران، مصلحان و دانشوران اسلامی را تشکیل می دهد. در این باره عالمان بسیاری رقم زده اند و از

دیدگاههای گوناگون بدان نگریسته اند. آقای محمد مهدی شمس الدین، از متفکران و عالمانی است که در این باره آثار قابل توجهی ارائه کرده است. فی الاجتماع السياسي الاسلامی، یکی از سلسله آثاری است که وی در نقد و تحلیل و بررسی تئوریهای حکومت، سیاست، دولت و چگونگی شکل گیری مجتمع اسلامی و معیارهای حاکم بر آن نگاشته اند.

مؤلف در مقدمه ضمن تشریح شیوه بحث و بررسی درباره سیاست و اجتماع در اسلام، اشتباه مسلمانان در شیوه بحث را یادآوری کرده است.

مؤلف محقق کتاب بر این باور است که از سیاست و حکومت چونان بایی از ابواب فقه بحث کردن یکسره، خطاست. سیاست و حاکمیت جزء لاینفک مکتب است و بدون آن هیچکدام از تشریحات دین معنا نمی دهد. به تعبیر دیگر، وی بحث حکومت و اجتماع و سیاست را در بعد نظری آن نتیجه مستقیم و ضروری تشریح می داند و در ساخت عملی آن نتیجه مستقیم این حقیقت که امت باید مسلمان باشد و بر اساس اسلام عمل کند. بدین سان مؤلف معتقد است بن بست مؤلفان و

دولت و نظام سخن رفته است. مؤلف در آغاز این بخش دولت را از نگاه متفکران سیاسی غرب تعریف کرده و در تحلیل آن آورده است که از نگاه اینان دولت مجموعه‌ای است از قوانینی که حاکمیت بر اساس آن در میان مجموعه بشری حکم می‌راند، و زمینی که آن مجموعه در آن زندگی می‌کند و حکومت تحقق می‌یابد. سپس اشاره می‌کند که غربیان چنین پنداشته‌اند که اسلام از عنصر چهارم سخن نگفته است، و حتی برخی این نکته را دلیلی بر کباستی در طرح دولت از نگاه اسلام دانسته‌اند. در نقد این دیدگاه وی توجه می‌دهد که فقیهان به مسأله زمین در دولت به صراحت پرداخته، اما از نگاهی دیگر در مواردی از آن بتفصیل سخن گفته‌اند. وی پس از بازگویی چرایی و چگونگی بحثهای فقیهان بتفصیل از شکل‌گیری دولت و عناصر تشکیل دهنده آن و معیارهای حاکم بر آن و نیز ویژگیهای دولت اسلامی سخن گفته‌اند. (ص ۱۰۸-۹۱).

در فصل دوم از سیاستهای دولت در مجتمع اسلامی بحث کرده است: سیاست جنگ، داوری، سیاست خارجی و داخلی، مسأله وطن و نظام خانواده. مؤلف در پایان نتیجه می‌گیرد که اجتماعی با این ویژگیها و مجتمع دارای آهنگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با نگرشی بر تمام زوایای جامعه انسانی نمی‌تواند بدون دولت و حاکمیت استوار گردد و پیش رود. (ص ۱۰۹-۱۵۶).

بخش سوم بررسی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری این مجتمع در دوره رسالت است. به دیگر سخن باز شناسی چگونگی تحقق خارجی مجتمع اسلامی در مرحله‌ای از تاریخ سخن رفته است. ریشه‌های آغازین حکومت پیامبر، فراخوانی پذیرش آیین حق، اداره جامعه، مسائل مالی، داوری، دفاع از حکومت و جامعه، پیوندها و ارتباطهای خارجی در زمان پیامبر، در این فصل تبیین گشته است. (ص ۱۷۳-۱۵۷).

در فصل دوم این بخش از استمرار دولت پس از رسول‌الله-ص-سخن رفته و دلایل عقلی و نقلی و اجماع مسلمین بر ضرورت ادامه دولت پس از پیامبر با دقت تمام و بیان استوار گزارش شده است. (ص ۱۷۳-۱۹۷).

چنان که گفتیم، بخش سوم کتاب درباره چگونگی دولت و حکومت در واقعیت تاریخی و استمراری آن پس از رسول‌الله-ص-است. در فصل سوم این بخش به موضع شیعه در برابر حکومت پس از پیامبر پرداخته شده است. این فصل از جمله فصول ارجمند کتاب است و به لحاظ دقتی که مؤلف در تبیین آن معمول داشته، درخور توجه است.

گزیده سخن آنکه پیشوایان و فقیهان شیعه به مشروعیت حکومتهایی که بر اساس معیارها و پایه‌های شرعی استوار نبوده‌اند، باور نداشتند، اما از همکاری با آنها در حد ضروری و برای حفظ وحدت و رسیدن به آرمانهای مطلوب نه تنها تن نمی‌زدند، بلکه گاه آن را لازم می‌شمردند. در ادامه این بحث نگاهی است گذرا به مسأله حکومت و چگونگی آن در نگاه شیعی در دوران غیبت و مسأله ولایت فقیه در دیدگاههای مختلف درباره آن. مؤلف وعده دادند این بحث را به لحاظ فقهی، تاریخی، و دلایل عقلی و نقلی آن در کتابی دیگر با عنوان «ولایات الفقها» بررسی کنند. با این بحث مباحث کتاب پایان می‌پذیرد. مؤلف بر کتاب افزوده‌هایی دارد درباره آنچه در متن به اختصار بدانها اشاره شده بود: ۱. بحث درباره مفهوم دقیق «ضروری دین» و انکار آن و آثار انکار ضروری دین. (ص ۲۷۷-۲۷۱) ۲. خلافت انسان در زمین و مفهوم آن و نیز تفسیر آیات مربوط به آن. (ص ۲۸۵-۲۷۸) ۳. متن پیمان نامه‌ای که پیامبر در مدینه برای همزیستی مردمان آن روزگار رقم زد که مؤلف از آن به «الصحیفه» / «الکتاب» یاد کرده و محتوای آن را عالمانه تحلیل کرده و در پایان با دقت تمام چگونگی نقل و صحت صدور آن را به بحث گذاشته است. (ص ۳۲۷-۲۸۵) ۴. نصوص فقهی کهن درباره همکاری با حاکمان جور و چگونگی پیوند با آنان در شرایط ویژه زمانی، سیاسی و اجتماعی. (ص ۳۲۷-۳۲۷).

یادآوری کنم که این کتاب بخشی از سلسله بحثهای فقهی درباره حکومت و سیاست از نگاه اسلام است که مؤلف سالهاست بدان همت ورزیده و پیشتر بازنگاری و بازنگری شده است. کتاب مهم دیگر وی «نظام الحکم والادارة فی الاسلام» را از همین ناشر خواننده بودیم که چاپ اول آن اولین کتابی بود

گزارشی است دقیق از ساختمان حرم مطهر، درها، گنبد، مناره‌ها و اصلاحات و تعمیرات حرم در گذرگاه تاریخ.

مؤلف با جلد دوم کتاب گزارش زندگانی عالمان، فقیهان و چهره‌های برجسته آن دیار و خاندانهای مشهور نجف را براساس حروف الفبا آغاز می‌کند. در صفحات آغازین کتاب از آیات عظام آخوند خراسانی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید ابوالقاسم خوئی سخن رفته است. (ص ۵۴-۱۱).

سپس از آل ابی‌جامع (۸۳-۵۹)، آل سید احمد عطار بغدادی (۸۴-۱۰۲) و زندگینامه ادیب برومند شیعی، محمد علی اردوبادی، و کتابشناس بزرگ شیخ آقا بزرگ تهرانی، خاندان ایروانی و بلاغی سخن رفته است.

جلد سوم با گزارش تاریخ آل بحر العلوم آغاز می‌شود (ص ۶۸-۲۴) و با خاندان بلادی ادامه می‌یابد. تاریخ آل حرّ عاملی (ص ۱۰۲-۹۶) و آل حرز و آل جلو و آل خاقانی نیز در این جلد گزارش شده و شرح حال، آثار و مآثر رجال برجسته این خاندانها آمده است.

جلد چهارم با گزارش زندگانی فقید علم و پژوهش و ادب، آیت الله شیخ عبدالحسین امینی آغاز می‌شود و با گزارش تاریخ و معرفی چهره‌های برجسته آل جابری ادامه می‌یابد. تاریخ آل حبیبی و زندگانی مشاهیر آل حبیبی، آل وجیلی، آل خراسان و ... در این مجلد آمده است.

مؤلف در گزارش تاریخ خاندانها، به نیاکان و چگونگی هجرت آنان به نجف می‌پردازد و نکات مهم اجتماعی سیاسی و فرهنگی خاندانها را می‌نماید و چهره برجسته و مهم آنها را معرفی می‌کند. و از آثار و مآثر آنان سخن می‌گوید. ناشر کتاب را نخست بار به سال ۱۳۷۴ در نجف منتشر کرده بود و اکنون همان چاپ را به گونه افست منتشر کرده است. گو اینکه حروف و چاپ کتاب روزآمد نیست و از نفاست بهره‌ای ندارد، اما مطالب آن خواندنی و برای کسانی که در جستجوی اطلاعاتی از آن گونه که یاد شد هستند، بسیار سودمند خواهد بود.

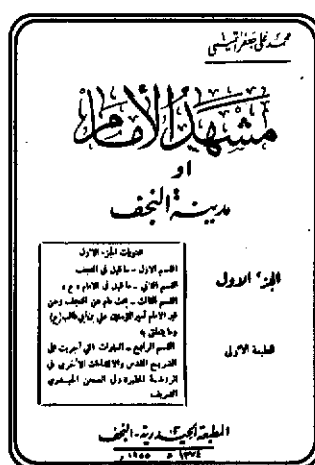
محمد علی غلامی

که در این موضوع نگاشته شده بود. به هر حال کتاب جناب شمس‌الدین کتابی است دقیق، خواندنی و سودمند.

محمد علی مهدوی راد

مشهد الامام او مدینه النجف

محمد علی جعفر تمیمی. (چاپ دوم: قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴). ج ۴، ص ۱۰۳۶، وزیری.



نجف، دیار دیر پای و دراز آه‌سنگ، که با در آغوش گرفتن مضجع مطهر سید الاوصیاء مولی الموحّدین علی بن ابی طالب -ع- سرزمین نور و دیار عشق وادی ولایت گردید، با حضور یکی از قله‌سانان بزرگ دانش و بینش،

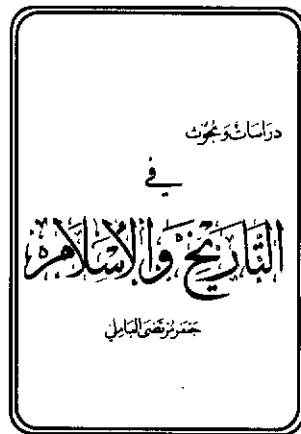
محمد بن الحسن الطوسی (شیخ الطائفة) مرکز دانش شیعی و حوزه علوم اسلامی در آن دیار بنیاد نهاده شد، و سده‌های درازی حقیقت ناب، فقه اهل البیت و علوم اسلامی را بگسترده. تاریخ این دیار، تاریخ تشیع و فقه است و سخن از خاندانهایی که در آن دیار بالیده و سایه گسترده‌اند، سخن از گستره حضور تشیع در آن دیار است. محققان و مؤلفان از دیرباز درباره آنچه یاد شد قلم زده‌اند، و آثار پربرگ و باری سامان داده‌اند. کتابی که اکنون مورد گفتگوست، یکی از آن مجموعه و کتابی است سودمند و خواندنی.

مؤلف کتاب را در چهار جلد تدوین کرده است: در بخش اول درباره نجف، جایگاه آن، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی نجف سخن رفته است. آنگاه نگاهی است به شخصیت علی -ع- از نگاه دیگران و سپس گزارشهایی درباره نجف در گذرگاه تاریخ. (ص ۵۸-۱) نامهای کهن نجف، فضیلت آن سرزمین و یادکرد کسانی که در آن سرزمین مدفون شده‌اند و چگونگی قرار گرفتن مضجع مطهر علی -ع- در آن دیار، فضیلت و اهمیت زیارت امام، در بخشهای بعدی آمده است. باب پنجم

دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام

جعفر مرتضی‌العاملی. (چاپ اول: بیروت، مرکز الجواد، ۱۴۱۴). ج ۳ و ۴، ۲۹۴+۲۰۸ ص، وزیری.

مجموعه‌ای است از پژوهشها، بررسیها و تحلیلهای درباره تاریخ اسلام، شرح حال رجال بزرگ اسلامی، آیین تحقیق و... جلد سوم دارای چهار بخش است. در بخش اول چهار مقاله آمده است. مقاله اول با عنوان «ادارة الحرمین الشریفین



فی القرآن الکریم» چگونگی اداره حرمین شریفین را از نگاه قرآن به بحث گذاشته است. آیات قرآن درباره مکه و مدینه بدقت تفسیر شده، و با تکیه بر نصوص تاریخی و اقوال متفکران اسلامی نشان داده شده است که این دو حرم از آن همه مسلمانان است و تسلط یا بی‌جریانی خاص بر آن در تضاد صریح با آموزه‌های قرآن است. در مقاله دوم از ضرورت تشکّل حزب الله سخن رفته و ویژگیهای آن گزارش شده است. این بحث نیز مستند به آیات قرآن است و خواندنی و سودمند.

در مقاله سوم با عنوان «الاسلام و حقوق الانسان» مؤلف نگاهی دارد گذرا به «رسالة الحقوق» حضرت امام زین العابدین (ع). مقاله چهارم اولویتهای علوم انسانی را به بحث گذاشته است و در ضمن آن از مشکلات و دشواریهای پژوهش در علوم انسانی سخن رفته است. بخش دوم ویژه مباحث تاریخی است که با مقاله مهمی آغاز می‌شود درباره موضع عباسیان در برابر گسترش فرهنگ و افکار و اندیشه‌های گوناگون. در این مقاله نقش امام موسی بن جعفر (ع) - در برابر حاکمیت بروشنی نموده شده و ابعاد تحریک سیاسی و فرهنگی آن بزرگوار نمایانده شده است. در مقاله دوم، که پیشتر در مقدمه کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)» نشر یافته بود، ضمن اشاره به کاستیهای پژوهشهای تاریخی درباره امامان (ع) - ضرورت نگارش تاریخی جامع و تحلیلی مطرح شده

و ویژگیها و چگونگیهای تاریخی جامع و کارآمد در این باره باز گفته شده است. مقاله سوم نگاهی است گذرا به «خوارج»، خاستگاه آنان و نیز نقش سیاسی و اجتماعی آنها در تاریخ اسلام. مؤلف پژوهشی دارند دراز دامن درباره خوارج با عنوان «الخوارج سیاسیاً و تاریخياً» که امید است بزودی تکمیل گردد و نشر یابد. این مقاله بخش کوچکی از آن تواند بود.

در بخش سوم از چگونگی برخی از کتابها سخن رفته است. در این بخش مقاله «الاسرائیلیات فی تاریخ الطبری» قابل توجه است. جریان اسرائیلیات، چگونگی نشر این آموزه‌ها در فرهنگ اسلامی، آثار سوء و نقش مخربی که در فرهنگ اسلامی داشته‌اند، اسرائیلیات آفرینان و عوامل گسترش دهنده این فرهنگ، و منابعی که بیشترین تاثیر را از این ماجرا داشته‌اند، از مسائل مهم فرهنگی است که باید با دقت تمام تحلیل گردد و ابعاد آن نشان داده شود. در این باره بجز برخی آثار محققان اهل سنت - که گاه از یکسویه نگری و دیگر گاه از تناقض در دیدگاه پیراسته نیستند - اثر هوشمندانه و استواری تدوین نیافته است. این مقاله، مقوله اسرائیلیات در تاریخ طبری را، گو اینکه گذرا، اما با دقت بررسی کرده و با ارائه نمونه‌هایی روش دستهای پیدا و پنهان این ماجرا را تا حدودی نشان داده است.

در بخش چهارم که ویژه رجال است، ابتدا به اختصار از جایگاه شعر در نشر مکتب و افکار سخن رفته است، و آنگاه از شعر ابوطالب (ع) - و ویژه گیهای اشعار آن بزرگوار. مقاله دوم ویژه شخصیت زید است و چگونگی جهاد و حرکت ستم ستیزانه آن چهره خونین آل علی (ع). این جلد با مقاله‌ای درباره فضای فکری عصر شیخ مفید و نقش آن خردمند نستوه در آوردگاه عقیده و فکر پایان می‌پذیرد.

جلد چهارم مجموعه مصاحبه‌ها و گفتگوهای مؤلف است با جرایدی که غالباً در ایران نشر یافته و اکنون ترجمه عربی آنها مجلد چهارم این مجموعه را تشکیل داده است. در گفتگوی اول، که پس از رحلت جانگداز حضرت امام خمینی - رضوان الله علیه - با روزنامه «العهد اللبنانی» انجام شده است، درباره تاریخ، امام، ولایت فقیه و نقش حضرت

سنت اجازه روایت از قدیم الایام معمول بوده است . برخی از اجازات مختصر و تنها مشتمل بر ذکر بعضی یا همه اسامی مشایخ مجیزاست . تعدادی از آنها هم که به «اجازه کبیره» معروف شده اند، طولانی و مشتمل بر مباحث گوناگون و فواید تاریخی و کتابشناختی بسیاری است . از اجازات کبیره، می توان از این اجازات نام برد:

- (۱) اجازه علامه حلی - طیب الله ثراه - به بنی زهره .
- (۲) اجازه شهید ثانی به پدر شیخ بهائی - رضوان الله علیهما .
- (۳) اجازه صاحب معالم، فرزند شهید ثانی، به سید نجم الدین حسینی - رحمة الله علیهما، که همه اینها در مجلد اجازات بحار درج شده است .
- (۴) اجازه بحرانی، صاحب حدائق، که به صورت کتابی متمم و همراه با تعلیقات گوناگون به نام لؤلؤة البحرین چاپ شده است .
- (۵) اجازه نواده سید نعمت الله جزائری - قدس سرهما - که به صورت کتابی به نام الاجازة الکبيرة به همت کتابخانه آية الله مرعشی به چاپ رسیده است .

اثر مورد بحث، از همه اجازات یاد شده طولانیتر است . مرحوم آية الله مرعشی - طیب الله مضجعه و متوا (۱۳۱۵ در نجف - ۱۴۱۱ در قم) در طی حیات بسیار پربرکتش موفق شد حدود چهارصد اجازه روایت از علمای مسلمان اخذ کند: از علمای شیعه حدود ۳۲۷ اجازه؛ از علمای اهل سنت حدود پنجاه اجازه؛ و از علمای زیدیه حدود هفده اجازه (ص ۷-۸ مقدمه) . فرزند ارشد ایشان قصد دارند همه اجازات کتبی را (نه شفاهی) که مشایخ اجازه به ایشان داده اند، در کتابی به نام «المسلسلات في الاجازات» در دو مجلد همراه با سرگذشت مجیزان منتشر کنند (ص ۸ مقدمه) .

اثر حاضر اجازه آن مرحوم به فرزند ارشدشان است که آن را پیوسته تا آخر عمر مورد تجدید نظر و اصلاح و اضافه قرار داده اند . در این امر جناب آقای محمد سمای حائری، دستیار ایشان بوده و آن را مرتب و منظم و تبیض کرده و به امر ایشان اضافات را در جای مناسب خود گنجانده است . (ص ۴) .

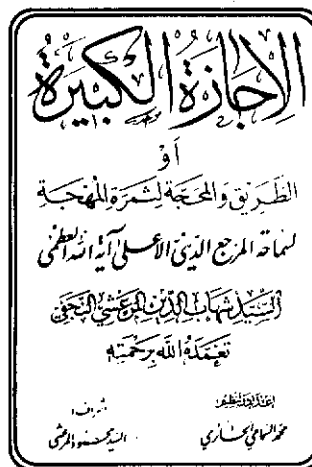
امام - ره - در بیداری جامعه اسلامی سخن رفته است . گفتگوی بعدی گزارشی است گذرا از زندگانی و آثار مؤلف و آنگاه چگونگی تحقیق، شیوه های پژوهشی در تاریخ، دشواریهای تحقیق و نشر، کاستیهای پژوهش در این روزگار . اسرائیلیات و نقش آن در فرهنگ اسلامی، و عواملی که به گسترش آن دامن می زد، مورد گفتگو و بحث قرار گرفته است . این گفتگو در شماره پنجم سال اول مجله آینه پژوهش نشر یافته است .

در مصاحبه بعدی، تاریخ اسلام، آثار مورخان، کاستیهای این آثار، ضرورت بازشناسی کاستیها و تلاش در جهت رفع آنها، استشراق و نقش آن در تاریخنگاری و آثار سوئی که برخی از نگاهشده های آنان بر جای نهاده، گفتگو شده است . تاریخ و مشکلات تحقیق درباره آن، شخصیت علامه امینی و ارزش علمی و تاریخی الغدیر، تاریخ اسلام و چگونگی تدوین آن، در مصاحبه دیگر این مجموعه مورد گفتگو قرار گرفته است . مطالب کتاب بر رویهم متنوع، جالب و سودمند است . اما کتاب نه فهرست تفصیل موضوعات دارد و نه فهرس فنی دیگر را .

محمد علی مهدوی راد

الإجازة الکبيرة أو الطريق و المحجة لثمره المبهجة

تألیف آية الله العظمی مرعشی نجفی . به کوشش محمد سمای حائری . اشراف سید محمود مرعشی . (چاپ اول: قم، کتابخانه آية الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۴)، ۷۳۲+۹۶ ص، وزیری .



اصل این کتاب اجازه ای بوده که مرحوم آية الله مرعشی - قدس الله نفسه الزکیة و افاض علی تربته المرحم الربانیة - در ربیع الآخر ۱۳۹۸ قمری به فرزند بزرگش داده و سپس در طول سالهای حیاتش پس از آن اجازه، مطالبی به آن افزوده و اکنون به صورت کتابی قطور و پرفایده در آمده است .

مرحوم آیه الله مرعشی در آغاز این اجازه، بعد از بسمله و حمد له، آورده اند:

وبعد، يقول العبد الراجي فضل ربّه ابوالمعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی ابا و الحسنی امّا النجفی مولداً... : قد استجاز عني رواية الاحاديث المروية عن النبي الاكرم و خلفائه المعصومين الائمة الهداة المهديين المودعة في جوامع الحديث... ولدي و قرة عيني و ثمرة فؤادی الجامع بين طريف المجد و تألده النشيط في جمع آثار اجداده حجة الاسلام والمسلمين الحاج السيد محمود الحسینی المرعشی النجفی ادام الله عزّه و آیامه و أسعد اعوامه... فاجزت له... و اننی رتبت هذه الاجازة في عدة فصول... (ص ۵-۶)

این اجازه در ده فصل بدین شرح تدوین و تنظیم شده است:

الفصل الاول في تراجم الشيوخ الشيعة؛

الفصل الثاني في تراجم المجيزات؛

الفصل الثالث في تراجم الشيوخ العامة؛

الفصل الرابع في تراجم الشيوخ الزيدية؛

الفصل الخامس طريق المجيز إلى المعصوم؛

الفصل السادس تراجم بعض العلماء و المشاهير؛

الفصل السابع الاحاديث المعننة عن الائمة ع؛

الفصل الثامن في بعض القوائد النافعة؛

الفصل التاسع ترجمة المجيز بقلمه الشريف؛

الفصل العاشر وصايا صاحب الإجازة؛

در آغاز کتاب حاضر تصویر تعدادی از اجازات عالمان بزرگ به مجیز به خط خودشان همراه با تعدادی از عکسهای جالب و گوناگون مرحوم آیه الله مرعشی با مقدمه کوتاهی از مستجیز محترم و تصویر سه صفحه همین اثر به خط مجیز در ۹۶ صفحه درج شده است.

بر روی هم این اثر آکنده است از فواید رجالی، تاریخی، کتابشناختی، اخلاقی، حدیثی و... مصحح محترم در پایان کتاب هفت نوع فهرست راهنما - از قبیل فهرست اعلام، اماکن، کتب، احادیث - در حدود یکصد و هفتاد صفحه تنظیم

کرده که بر ارزش آن افزوده است.

مرحوم آیه الله مرعشی از چهار تن از زنان دانشمند معاصر

خود نیز اجازه گرفته اند که عبارتند از:

۱) خانم امین اصفهانی؛ ۲) ثریا خانم محسنی؛ ۳) خانم امینه مشهور به خانم قرائت شیرازی؛ ۴) خانم ضیافت شیرازی، که سرگذشت مختصر این بزرگواران در صفحات ۲۴۵ تا ۲۴۷ این کتاب آمده است.

هویدا است که مصحح محترم در راه نشر این اثر رنج

گرانی متحمل شده اند، ولی برخی خطاهای چاپی و شبه چاپی و برخی کاستیها در آن دیده می شود. مثلاً: عناوین سرصفحه ها لازم بود گویاتر باشد، و در حدود یکصد و هفتاد صفحه آخر کتاب، اصلاً عناوین سرصفحه ای ندارد و نیز در ۹۶ صفحه اول کتاب حتی شماره صفحه هم ذکر نشده است. همچنین در ص ۷۲۹ تشدید کلمه «الادعية» زاید و غلط است.

مصحح در صفحات ۵۵۳، ۵۶۹، ۵۷۲ تعبیر

«شیوخ الشيعة»، «شیوخ العامة» و «شیوخ الزيدية» را بدون ال بر سر شیوخ آورده اند، ولی در صفحه ۵۵۱ همین تعبیرات با ال بر سر کلمه «شیوخ» آمده است.

در ص ۵۵۱ «احاديث المعننة» اشتباه و درست آن

«الاحاديث المعننة» است. در ص ۶۶ «جزاء الله» غلط و «جزاء الله» درست است. در ص ۴۴۰ و ص ۷۳۱ تعبیر «أحسن ظن ولو...» درست نیست و خللی در آن رخ داده است.

نواقصی هم در فهرستها دیده می شود. مثلاً در ص ۶۹۰

حدود یک صفحه را تنها شماره صفحاتی که نام نجف اشرف در آنها آمده اشغال کرده است که در چنین موردی لازم بود گفته شود: در صفحات بسیار، یا در بیشتر صفحات.

دیگر اینکه مطالبی را که مرحوم آیه الله مرعشی از اجازات

علما نقل فرموده اند، تخریج نشده و در پانوشتها نشانی آنها ذکر نشده است.

به هر حال، باید از فرزند برومند آن مرحوم و مصحح

گرامی این اثر به خاطر این خدمت ارزنده تشکر کرد.

ابوحسن رضوانشهری
